

اللَّهُ أَحْمَدُ



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان

واحد پژوهش‌های اتاق هرمزگان

عنوان پژوهش: بررسی مناطق آزاد جنوب و مزایای آن برای سرمایه‌گذاری

تهیه کننده: سید امید جعفریان

ناظر علمی: دکتر پیام رضایی

طبقه بندی موضوعی: اقتصاد منطقه

واژه‌های کلیدی: مناطق آزاد، قشم، کیش، مناطق ویژه اقتصادی، توسعه اقتصاد

فهرست :

- ❖ چکیده..... ۱
- ❖ مقدمه..... ۲
- ❖ سابقه ایجاد مناطق آزاد ایران..... ۴
- ❖ اهداف کلی مناطق آزاد ایران..... ۴
- ❖ انگیزش‌ها و مشوق‌های مناطق آزاد ایران..... ۵
- ❖ اهمیت توسعه صادرات..... ۵
- ❖ انواع مناطق آزاد هرمزگان..... ۶
- ❖ منطقه آزاد کیش..... ۶
- ❖ مزایای اختصاصی منطقه آزاد تجاری - صنعتی کیش..... ۷
- ❖ منطقه آزاد قشم..... ۷
- ❖ مزایای اختصاصی منطقه آزاد تجاری - صنعتی قشم..... ۸
- ❖ مزیت‌های منطقه‌های آزاد برای شرکت‌های خارجی جهت فعالیت در ایران..... ۹
- ❖ اثر مناطق آزاد بر توسعه صادرات..... ۹
- ❖ نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی..... ۱۰
- ❖ اهداف مناطق آزاد..... ۱۱
- ❖ خروج از اقتصاد تک محصولی و متنوع سازی اقتصاد مبتنی بر نفت..... ۱۳
- ❖ شرایط و عوامل موفقیت مناطق آزاد..... ۱۴
- ❖ مستثنی شدن برخی از بخش‌ها از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی..... ۱۶
- ❖ الزامات سرمایه‌گذار..... ۱۷
- ❖ جمع‌بندی..... ۱۸
- ❖ پیشنهادات..... ۱۹



❖ چکیده

خلیج فارس در قرن‌های گذشته از مهم‌ترین مناطق جهان به‌شمار می‌آمده است و در دهه‌های اخیر همچنان در سیاست‌های جهانی نقش مهمی را داراست. یکی از الگوهایی که تکمیل‌کننده زنجیره توسعه صادرات در خلیج فارس و جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد مناطق آزاد تجاری است که ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و وجود الزامات اجرایی این الگو حائز بهترین شرایط است با توجه به این که کشور ایران در آستانه تغییر سیاست اتکا از صدور نفت به توسعه صادرات غیرنفتی می‌باشد لازم است الگوهای مختلف و موفق دیگر کشورها را برای انجام این مقصود بررسی نموده تا با انتخاب بهترین گزینه وظیفه خطیر خود را در قبال نسل حاضر به نسل‌های آینده به خوبی ایفا نماید امروزه کشورهای متفاوتی اعم از توسعه یافته و در حال توسعه با توجه به ویژگی مناطق آزاد تجاری صنعتی برای دستیابی به هدف‌هایی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش کارایی اقتصاد ملی، توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخش‌های عقب مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی نموده‌اند. منطقه آزاد، قلمرو معینی از سرزمین اصلی است که در آن، تجارت آزاد با سایر نقاط جهان با قوانین خاص و متفاوت از سرزمین اصلی مجاز شناخته شده است. این مناطق با ایجاد مشوق‌ها و معافیت‌های متنوع سعی دارند که سرمایه‌گذاری خارجی را جذب و آن را در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار دهند. سپس با صادرات این کالاها کشور از آثار و مزایای مثبت صادرات و تجارت نظیر ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی، توسعه منطقه‌ای و... برخوردار نمایند.

برابر تعریف سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، مناطق آزاد به‌عنوان محرکه‌ای برای تشویق صادرات صنعتی تلقی می‌شود. طبق تعریف بانک جهانی که به نظر می‌رسد کامل‌ترین تعریف باشد، «منطقه آزاد، قلمرو معینی است که اغلب در محدوده داخل یک بندر یا در مجاورت آن قرار گرفته و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده است و کالاها را می‌توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از این مناطق صادر کرد یا به این مناطق وارد نمود و آنها را برای مدتی در انبار ذخیره و در صورت لزوم، بسته‌بندی و دوباره صادر کرد. مناطق پردازش صادرات افزون بر تسهیلات پیشگفته، ابنیه و خدمات مورد نیاز برای تولید، تبدیل مواد خام و کالاهای واسطه‌ای وارداتی به محصولات نهایی را با هدف صدور آنها و گاهی به‌منظور فروش در بازار داخلی به شرط پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معمول فراهم می‌نمایند. از این جهت منطقه آزاد پردازش صادرات، ناحیه ویژه‌ای است که تولیدات آن جهت‌گیری صادراتی دارد. تسهیلات این مناطق برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی و تسهیل استقرار آنهاست و معمولاً با مشوق‌های دیگری نیز همراه است.»



با مروری بر روند توسعه اقتصادی کشورها در می‌یابیم که استفاده از ساز و کار مناطق آزاد تجاری به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین روش‌های پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی برای جلب سرمایه‌های خارجی بوده و هست. مناطق آزاد تجاری یکی از ابزارهای توسعه تجارت خارجی است که می‌تواند به تقویت تولید صادرات محور و توسعه اقتصادی کشورها کمک کند و نیز زمینه مساعدی را برای رفع موانع توسعه اقتصادی، از جمله جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی فراهم نماید. جذب سرمایه‌گذاری پر از تکمیل زیرساخت‌ها و امکانات اولیه و به‌منظور تحقق اهداف مناطق آزاد از اولویت بالایی برخوردار است.

کلید واژه : مناطق آزاد، قشم، کیش، مناطق ویژه اقتصادی، توسعه اقتصاد.

❖ مقدمه

امروزه رشد صادرات برای دولت‌ها به منزله کلید بازآفرینی اقتصاد است. تقریباً تمام کشورهای درحال توسعه، موضوع توسعه صادرات را در رأس اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت قرار داده و البته آگاهی و توجه به اهمیت موضوع صادرات در کشورهای توسعه‌یافته نیز وجود دارد.

دولت‌ها می‌توانند با برنامه‌های توسعه صادرات، نقشی کلیدی در ترغیب فعالیت‌های تجارت خارجی بنگاه‌های داخلی بازی کنند، زیرا پیچیدگی کسب‌وکار و تجارت بین‌المللی و عدم وجود دانش فنی کافی می‌تواند بنگاه را در موقعیت عدم رقابت‌پذیری قرار دهد. بنابراین، از یک سو دانش و تجربه، عوامل حیاتی برای رقابت در بازارهای خارجی است و از سوی دیگر، مشکلات زیادی بر سر راه صادرات وجود دارد که مانع تحقق فروش صادراتی بنگاه می‌شود.

از این رو، دولت‌ها محرک‌هایی برای صادرات چه در قالب برنامه‌های حمایت از صادرات و چه در قالب مؤسساتی مانند بانک‌های توسعه صادرات ارائه داده‌اند. وجود آگاهی، اطلاعات، تجربه و منابع برای غلبه بر این مشکلات برای مناطق آزاد تجاری - صنعتی ضروری است و برنامه‌های توسعه صادرات نیز برای رفع همین نیازها و کمک به فرایند یادگیری در محیط رقابت بین‌المللی و انگیزش فضای کسب‌وکار به‌سوی اهداف صادراتی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تسهیل صادرات تعریف می‌شوند.

هدف از توسعه و ترویج صادرات در واقع بهبود اوضاع اقتصادی یک کشور و به تبع آن بهبود استانداردهای زندگی مردم آن کشور است. بنابراین، توسعه صادرات را می‌توان با افزایش حجم صادرات، تنوع در محصولات صادراتی و یا بازارهای هدف صادراتی عملی کرد؛ اما در اینجا باید به این نکته توجه کرد که دستیابی به این اهداف، خود نیازمند بسیج منابع مورد نیاز، ارتقای سطح شیوه مدیریت و فناوری محصولات و... در محیط کسب و کار ملی است؛ از این رو، هرچند این اهداف قابل دستیابی هستند ولی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل دست نیافتن به منابع مورد نیاز دستیابی به اهداف، ماهیتی سخت دارند. برنامه‌های توسعه صادرات



یکی از راه‌هایی است که می‌توان بنگاه‌های کوچک و متوسط را در دستیابی به اهداف فوق حمایت کرد تا بر محدودیت‌های راه غلبه کنند. در برنامه توسعه صادرات دو عامل حیاتی وجود دارد، یکی فراهم‌ساختن اطلاعات به عنوان یک ابزار راهبردی که ممکن است در سطوح مختلف طی فرآیند بین‌المللی شدن، بنگاه‌های کوچک و متوسط به آن نیاز داشته باشند؛ و عامل دیگر، وجود شبکه‌ای منسجم از فعالان و نهادهایی است که به گونه‌ای در برنامه توسعه صادرات درگیر خواهند بود. این دو عامل به هم وابسته بوده و باید در عین کارایی، اثربخشی لازم را نیز داشته باشند تا برنامه توسعه صادرات، موفقیت‌آمیز بوده و زمینه برای حرکت بنگاه‌های کوچک و متوسط به سمت بازارهای بین‌المللی هموار گردد. مناطق آزاد مبتنی بر این اعتقاد شکل گرفته‌اند که سرمایه‌موتور رشد و توسعه اقتصادی یک کشور است.

منطقه آزاد ناحیه‌ای از قلمرو کشور است که خارج از محدوده فیزیکی، قانونی و اداری تأسیسات گمرکی قرار دارد. ورود و خروج سرمایه و سود به آن و جابجایی نیروی کار متخصص در منطقه به سهولت صورت می‌گیرد و کالاها و مواد خارجی را که منع قانونی نداشته باشند می‌توان بدون هرگونه موانع گمرکی و ترانزیت، یا در انبارهای آن نگهداری و یا در کارخانه‌های مستقر در آن تغییر شکل داده و به کالاهای دیگر تبدیل نمود. از انواع مناطق آزاد می‌توان به منطقه آزاد تجاری، منطقه پردازش صادرات، منطقه ویژه اقتصادی، منطقه آزاد توریستی، منطقه آزاد شرکت‌ها اشاره نمود.

هدف‌های اصلی از ایجاد این مناطق در بسیاری از کشورهای در حال توسعه عبارتند از: ایجاد اشتغال، توسعه صادرات، جذب و تشویق سرمایه‌های خارجی، ایجاد درآمد ارزی، انتقال تکنولوژی، توسعه منطقه‌ای و برپایی نمایشگاه‌ها.

بیش از سه دهه پیش مناطق آزاد بر بنیاد نگرش‌های برون‌نگر؛ مبتنی بر مزیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی، قابلیت دسترسی به بازارهای مصرف و با هدف گسترش صادرات، شکل گرفتند.

در کشور ما نیز با توجه به حضور کمرنگ اقتصاد ملی در عرصه رقابت جهانی؛ ایجاد مناطق آزاد به عنوان عاملی مؤثر در جهت جبران فرصت‌های از دست رفته و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال سالم و مولد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و بهره‌مندی از اقتصاد رقابتی مورد توجه و تأکید سیاست‌گذاران نظام اقتصادی کشور می‌باشد.

برخی نیز معتقدند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور بدون تغییر نگرش در مکان سیاستمداران و کارشناسان و ایجاد بستر مناسب برای ورود سرمایه امکان‌پذیر نیست و تا زمانی که شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناسب فراهم نشود، شرکت‌های خارجی علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران ندارد. در میان موانع سرمایه‌گذاری، موانع حقوقی از اهمیت بالایی برخوردار است؛



مهمترین عوامل حقوقی در معرفی فضای سرمایه‌گذاری کشور میزبان را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

- ۱) قواعد حاکم بر ورود سرمایه‌گذار خارجی؛
- ۲) قواعد حاکم بر حمایت از سرمایه‌گذار خارجی و نحوه رفتار با وی؛
- ۳) قواعد مرتبط با خروج سرمایه‌گذار؛
- ۴) قواعد مرتبط با مشوق‌ها و وظایف حل و فصل اختلافات.

قواعد حاکم بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش مهم و اساسی نظام سرمایه‌گذاری در کشور میزبان است. اگرچه بر اساس حاکمیت دولت‌ها، کشور میزبان می‌تواند محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها، قیود و شرایطی را برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قائل شود، لیکن با توجه به کارکردها و اهداف مناطق آزاد، تشریفات مربوط باید به نحوی باشد که باعث کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری برای خارجی‌ها نشود.

❖ سابقه ایجاد مناطق آزاد ایران

اندیشه تأسیس و راه‌اندازی مناطق آزاد در ایران در دهه ۱۳۳۰ شکل گرفت. در آن سال‌ها با توجه به وجود مشکلات ناشی از فقدان تسهیلات و تأسیسات مورد نیاز برای نگهداری کالاهای وارده به کشور، در بنادر جنوبی ضرورت ایجاد مناطق آزاد در کشور احساس می‌شد.

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، جزیره کیش به عنوان اولین منطقه تجارت آزاد ایران تعیین و در سال ۱۳۶۸ براساس برنامه پنج ساله اول توسعه به دولت اجازه داده شده تا در سه نقطه مرزی کشور اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری صنعتی کند.

❖ اهداف کلی مناطق آزاد ایران

در ماده یک، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد هدف از تشکیل این مناطق را: تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی و رشد و توسعه اقتصادی، انجام سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش درآمدهای عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای تولید و صادرات کالا عنوان نموده است.



❖ انگیزش‌ها و مشوق‌های مناطق آزاد ایران

بخشی از مزیت‌های قانونی مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران عبارتند از: آزادی ورود خروج سرمایه، معافیت مالیاتی تا پانزده سال، تضمین کامل سرمایه‌های خارجی، امکان ترانزیت، امکان مشارکت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، معافیت گمرکی برای ورود کالای ساخته شده در منطقه به داخل کشور، امکان ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی به منطقه، امکان خرده فروشی کالا، امکان ورود اتباع خارجی از طریق مبادی ورودی و خروجی.

❖ اهمیت توسعه صادرات

برنامه‌های توسعه صادرات به تمام سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی طراحی شده برای کمک به فعالیت‌های صادراتی بنگاه‌ها از مشاوره، مشوق‌های مالیاتی و تأمین مالی صادرات گرفته تا نمایشگاه‌های تجاری و کمک به توسعه فروش اطلاق می‌شود. در واقع، بیش‌تر برنامه‌های توسعه صادرات به طور اساسی برای این منظور طراحی شده‌اند که دانش صادراتی اولیه و دانش تجربی و امکانات فیزیکی مورد نیاز برای صادرات را برای صادرکنندگان بالقوه و بالفعل فراهم کند.

بسیاری از شرکت‌ها به‌خاطر فقدان تجربه، منابع محدود یا سایر مشکلات نمی‌توانند یا نمی‌خواهند صادرات را به طور وسیع دنبال کنند. برنامه‌های توسعه صادرات توسط دولت، تشکل‌های تجاری و دیگر سازمانها ارائه می‌شوند تا به شرکت‌ها برای غلبه بر این محدودیت‌ها کمک کرده و نقشی کلیدی در تشویق فعالیت‌های تجاری بین‌المللی ایفا کنند. همچنین، هدف برنامه‌های توسعه صادرات را افزایش عملکرد صادراتی از طریق ارتقای توانمندی‌ها، منابع، راهبردها و رقابت‌پذیری کلی بنگاه‌ها دانسته‌اند که در مقابل، در ارتقای عملکرد صادراتی انعکاس می‌یابد. هدف عمده دیگر برنامه توسعه صادرات، افزایش درآمد خارجی یک کشور برای ارتقای موازنه تجاری آن است. برنامه‌های توسعه صادرات، منبع خارجی آماده‌ای برای کسب اطلاعات، تجارب و تحصیل دانش لازم فراهم آورده و ظرفیت جدیدی برای کنار آمدن با پیچیدگی‌های صادرات ایجاد می‌کنند. ادبیات موضوع نیز نشان می‌دهد برنامه‌های دولت برای ایجاد آگاهی از فرصت‌ها و برنامه‌ریزی و افزایش توانمندی سازمان در جهت صادرات مهم بوده و فرصت‌هایی برای تقسیم هزینه‌ها فراهم می‌سازد.

همچنین، کاهش هزینه‌ها، یک پارچه‌سازی اطلاعات بازارهای هدف، اعتبارات و وام‌های صادراتی، کاهش قیمت تمام شده محصولات، اعطای یارانه‌ها و... از مواردی است که مستقیماً توسط برنامه‌های توسعه صادرات ارائه شده و تأثیر مستقیمی بر عملکرد صادراتی بنگاه دارد. به‌عبارت دیگر، منظور این برنامه‌ها، ایجاد آگاهی از فرصت‌ها و برنامه‌ریزی و افزایش توانمندی سازمان در جهت صادرات است که فرصت‌هایی برای تقسیم هزینه‌ها فراهم می‌کند.



❖ انواع مناطق آزاد هرمزگان

در زیر بطور مختصر به انواع مناطق آزاد تجاری ایران اشاره می‌شود و سپس عملکرد سه منطقه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد:

- منطقه آزاد کیش

جزیره کیش که به مروراید خلیج فارس مشهور است با مساحتی حدود ۹۱ کیلومتر مربع در هیجده کیلومتری کرانه جنوبی سرزمین ایران قرار دارد. این جزیره از نظر تقسیمات سیاسی، جزیری از شهرستان بندرلنگه در استان هرمزگان محسوب می‌شود و از لحاظ وسعت بعد از جزیره قشم، مقام دوم را در خلیج فارس دارا است. این جزیره از لحاظ تاریخی دارای سوابق بازرگانی می‌باشد به طوری که مرکز ارتباطات بازرگانی بین هندوستان، ایران و بین‌النهرین به‌شمار می‌آمده‌است. عمده تجارت جزیره کیش در گذشته، مروراید بوده‌است که هنوز هم صید آن ادامه دارد. کیش از سال ۱۳۸۴ تاکنون خارج از قلمرو معمولی گمرک کشور شناخته شده و نوعی منطقه آزاد تلقی می‌شده‌است.

جزیره کیش در ایران بیشتر به عنوان منطقه‌ای برای تفریح و گردشگری شناخته می‌شود. این جزیره که اولین منطقه آزاد تجاری ایران در آن احداث شده، دومین جزیره بزرگ خلیج فارس است و علاوه بر جذب بیش از یک میلیون گردشگر داخلی و خارجی در طول سال، صنایع فعالی در حوزه‌های تجهیزات برقی، الکترونیک، پوشاک، مواد غذایی و دارویی، تولیدات شیمیایی و سلولزی و حفاری فرا ساحلی دارد. با این حال، طبیعت زیبا و منحصر به فرد این جزیره، سواحل آرام و آب‌های شفاف و ماسه‌های مرجانی و پوشش گیاهی خاص این جزیره باعث شده بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها در این جزیره در حوزه‌های گردشگری و خدمات مربوط به آن صورت گیرد.

دسترسی آسان کیش به بازارهای سرزمین اصلی و بازارهای کشورهای همسایه، به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس، در کنار موقعیت استراتژیک و دسترسی‌های ویژه این جزیره به مسیرهای بازرگانی بین‌المللی و زیرساخت حمل و نقلی پیشرفته آن، باعث شد در سال ۱۳۷۲ اولین منطقه آزاد تجاری - اقتصادی ایران در این منطقه و در جزایر کیش، هندورابی، فارور بزرگ و فارور کوچک، آغاز به کار کند.

مهم‌ترین مأموریت‌ها و اهداف منطقه آزاد تجاری - صنعتی کیش گسترش صنعت گردشگری، امور بانکداری، خدمات فرهنگی و رفاهی، توسعه صنایع پیشرفته، خدمات پزشکی فرامرزی، صنایع الکترونیکی، خدمات پشتیبان نفت و همچنین ایجاد بورس‌های خدمات تجاری نفت و کالاهای نفتی و مرکزیت یافتن در زمینه نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است.



مزایای اختصاصی منطقه آزاد تجاری - صنعتی کیش

- دسترسی به فرودگاه بین‌المللی کیش
- طبیعت زیبا و منحصر به فرد برای توسعه خدمات گردشگری
- محیطی مناسب برای فعالیتهای غیرآلوده کننده
- دسترسی آسان و سریع به زیرساخت حمل و نقل ترکیبی سرزمین اصلی
- دسترسی به بازار مصرفی کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع
- جشنواره‌های گردشگری فصلی سالانه
- بازارها و مراکز خرید متنوع و جذب گردشگران در حوزه اکوتوریسم
- جاذبه‌های تفریحی و گردشگری گوناگون

- منطقه آزاد قشم

قشم بزرگترین جزیره خلیج فارس است. مساحت این جزیره ۱۴۵۰ کیلومتر مربع است که در دهانه تنگه هرمز در مسیر راه‌های دریایی از خلیج فارس به دریای عمان و اقیانوس هند و بالعکس قرار دارد. منطقه آزاد تجاری - صنعتی قشم، حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع از این جزیره را شامل می‌شود. این منطقه به دلیل قرارگیری در نقطه‌ای کلیدی از کریدور ترانزیتی شمال - جنوب، دسترسی به کریدور پروازهای بین‌المللی شرق - غرب و تسهیلات بندری آن، که به نوعی مکمل بندر شهید رجایی است، نقش پررنگی در تجارت و بازرگانی جهانی دارد. سیاست دولت ایران، در قبال جزیره قشم به عنوان جزئی از بازسازی اقتصادی، تبدیل این جزیره به منطقه آزاد تجاری به عنوان بزرگترین منطقه آزاد در بین راه اروپا و ژاپن بود. تمامی شناورهای کشورهای حاشیه خلیج فارس مجبور به گذر از نزدیکی سواحل جنوبی این جزیره می‌باشند. این جزیره دروازه خلیج فارس خوانده شده است. هم‌اکنون دسترسی بندرها از داخل کشور به قشم از راه سه بندر بزرگ شهید رجایی، شهید باهنر و بندر لنگه امکان‌پذیر است.

جزیره قشم بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس می‌باشد. این جزیره تقریباً موازی ساحل ایران قرار گرفته و به وسیله تنگه کلارنس از خاک اصلی ایران جدا شده‌است. بندر قشم در منتهی الیه شرق جزیره قرار دارد و بیشترین ارتباط دریایی جزیره را با خارج فراهم کرده و بیشترین شمار بازدیدکنندگان را در خود جای می‌دهد. این جزیره به دلیل قرار گرفتن در میان خلیج فارس و اقیانوس هند همواره از موقعیتی استثنایی برخوردار است. قشم از دیرباز به عنوان یک مرکز تجاری بین آسیای غربی، شبه جزیره عربستان و سواحل شرقی آفریقا مورد توجه بوده‌است. تاریخ قشم به ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد. همراه با کشف قاره آمریکا و توسعه راه‌های ارتباطی با آسیا از طریق دماغه امیدنیک، اهمیت استراتژیک خلیج فارس، تنگه هرمز و جزیره



قشم بیش از پیش آشکار شد. مأموریت‌های خاص این منطقه عبارتند از: تمرکز سوخت‌رسانی به شناورها و کشتی‌های در حال عبور از خلیج فارس، ایجاد صنایع تولیدی صادراتی، ارائه خدمات فنی-مهندسی، انتقال دانش فنی به منطقه و کشور، ایجاد پارک ملی.

به دلیل مجاورت با اقیانوس هند، وجود منابع نفت و گاز و واحدهای پتروشیمی و پالایشگاهی و تجهیزات فراساحلی و برخورداری از تسهیلات بندری برای کشتی‌های بزرگ (در رده پاناماکس) یکی از استراتژیک‌ترین جزایر ایران و خلیج فارس است که به دلیل خدمات سوخت‌رسانی به کشتی‌های عبوری از آبراهه بین‌المللی و پارک‌های انرژی و زیست - فناوری آن شهرتی جهانی دارد. از سوی دیگر، ویژگی‌های طبیعی و تاریخی این جزیره، باعث شده قشم به یکی از مقاصد گردشگری اصلی در ایران تبدیل شود.

اهداف و محورهای اصلی فعالیت‌های این منطقه آزاد تجاری - صنعتی شامل توسعه و گسترش صنعت ترانزیت و حمل و نقل، گسترش تجارت و خدمات تجاری، صنایع انرژی‌بر، صنایع بیوتکنولوژیک و منابع دریایی، صنایع گردشگری، شیلات و صید صنعتی، خدمات پشتیبان نفت و پارک‌های انرژی است.

قشم بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس و یکی از مهم‌ترین جزایر ایران از نظر موقعیت استراتژیک است. اشراف بر تنگه هرمز و دسترسی به آبراه‌های بین‌المللی، بهره‌مندی از زیرساخت حمل و نقل ترکیبی مدرن و تأسیسات بندری برای کشتی‌های بزرگ و قرارگیری در نقطه‌ای کلیدی نسبت به چند کریدور ترانزیتی مهم جهانی، در کنار ویژگی‌های طبیعی منحصر به فرد این جزیره، که برای گردشگران جذابیت ویژه‌ای دارد، باعث شده قشم در میان مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایران، اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

مزایای اختصاصی منطقه آزاد تجاری - صنعتی قشم

- دسترسی به آب‌های بین‌المللی و تسهیلات بندری برای کشتی‌های بزرگ با ظرفیت بالای ۱۰۰ هزار تن
- دسترسی به بازار مصرفی حاشیه خلیج فارس، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و کشورهای همسایه
- قرارگیری در مرکز بازار انرژی جهان
- زیرساخت شهری و حمل و نقل ترکیبی (فاصله نزدیک تا بندرعباس و راه آهن و فرودگاه بین‌المللی آن)
- ظرفیت بالای سیاحتی، تفریحی و گردشگری با توجه به منابع طبیعی، تاریخی و فرهنگی جزیره
- ظرفیت بالقوه در زمینه پرورش آبزیان دریایی



❖ مزیت‌های منطقه‌های آزاد برای شرکت‌های خارجی جهت فعالیت در ایران

- از جمله مزایای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- معافیت مالیاتی به مدت ۲۰ سال از تاریخ بهره‌برداری برای همه فعالیت‌های اقتصادی.
 - امکان ثبت شرکت با مالکیت ۱۰۰٪ خارجی در اداره ثبت شرکت و مالکیت‌های صنعتی و معنوی مناطق آزاد.
 - آزادی ورود و خروج سرمایه و سود.
 - ورود اتباع خارجی بدون اخذ ویزا.
 - رفع پرداخت عوارض گمرکی برای واردات از خارج به منطقه و بالعکس.
 - صدور محصولات خارج از کشور بدون پرداخت عوارض گمرکی و بندرگاهی.
 - آزادی کامل ورود و خروج اصل سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی.
 - تشریفات ساده برای صادرات مجدد و ترانزیت کالا.
 - تضمین و حمایت قانونی از سرمایه‌گذاران خارجی.

❖ اثر مناطق آزاد بر توسعه صادرات

در ۲۰ سال اخیر تحولی در مفهوم مناطق آزاد تجاری ایجاد شده، به طوری که امروزه مفهوم آن گسترده‌تر از تجارت صرف بوده و تولید و تجارت هر دو را شامل می‌شود؛ بنابراین، وقتی صحبت از مناطق آزاد تجاری می‌شود، گستردگی مفهوم آن می‌تواند از منطقه صرفاً تجاری تا منطقه‌ای برای تولید در داخل کشور به منظور صادرات را در برگیرد.

تغییر استراتژی توسعه صنعتی از جایگزینی واردات به استراتژی توسعه صادرات، موجب چنین تحولی در مفهوم «مناطق آزاد تجاری» شده است. در استراتژی توسعه صادرات، تولید برای صادرات بوده و تجارت فارغ از سیاست‌های اجرایی و هر نوع قید و بندی انجام می‌شود و این استراتژی در مناطق تجاری - صنعتی رایج است.

تجربه تأسیس مناطق آزاد در قاره آسیا نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه که خود را مقید به رعایت تشریفات زائد گمرکی، ارزی، اداری و سایر ضوابط و مقررات دست و پاگیر می‌دانند، مناطق آزاد حداقل به عنوان ابزاری آزمایشی برای رفع موانع ضد توسعه‌ای به کار گرفته شده و از طریق این مناطق دانش و مهارت‌های جدید قابل توجهی کسب می‌شود. کشورهای در حال توسعه‌ای که به ایجاد منطقه آزاد روی آورده‌اند بر این باورند که منطقه آزاد آنان را برای رهایی از فقر و عقب ماندگی یاری داده و فناوری، مدیریت و سرمایه را به



کشور وارد کرده و عوامل تولید داخلی را با علم و دانش فنی خارجی تلفیق می‌کند و این گونه، کشور در مسیر توسعه و همسویی با اقتصاد جهانی قرار می‌گیرد. به اعتقاد این کشورها، منطقه آزاد وسیله ورود به بازار جهانی و بهره‌گیری از برتری‌های نسبی اقتصاد داخلی در بازرگانی بین‌المللی است. دولت‌های این کشورها متقاعد شده‌اند که امروزه توسعه اقتصادی و اقتصاد برون‌نگر، ضرورتی گریزناپذیر بوده و دوام ایشان در گرو موفقیتشان در راه نیل به این خواسته است. اکنون اغلب کشورهای یادشده تردیدی ندارد که توسعه اقتصادی فرایندی است که با خروج کشور از اقتصاد محدود و بسته همراه است و درعین حال بر این باورند که منطقه آزاد دریچه‌ای است که آنها را در راه این هدف یاری داده و توسعه اقتصادیشان را شتاب می‌بخشد.

❖ نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی

کشورهای در حال توسعه در راه دستیابی به توسعه اقتصادی به هر ابزاری روی می‌آورند که ایجاد «منطقه آزاد تجاری - صنعتی» یکی از این ابزارهاست. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای در حال توسعه است که به رغم برخورداری از منابع عظیم انسانی و اقتصادی، خصوصیات متنوع آب و هوایی و منابع عظیم معدنی و نفتی و هم چنین جاذبه‌های توریستی بی‌همتا و آثار باستانی بی‌رقیب نتوانسته است مراحل دستیابی به توسعه مورد دلخواه و مطلوب دست یابد. تحولات اقتصادی جهان، تجربه کشورهای توسعه یافته امروزی در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و نیز کشورهای تازه صنعتی شده طی سه دهه اخیر، نشان داد که تجارت خارجی می‌تواند محرک و عامل توسعه باشد،

بخصوص در دنیای اقتصادی امروز که تغییرات و تحولات تکنولوژی به اندازه‌های سریع و چشمگیر است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به تولید همه چیز برای همه نیست و توسعه بدون همیاری و بهره‌گیری و داد و ستد با دیگران ممکن نخواهد بود. از آنجا که یکی از راههای بسط تجارت خارجی، بکارگیری ابزار منطقه آزاد است، بسیاری از اقتصاددانان، استفاده از این ابزار را مفید تلقی می‌کنند، بویژه آنکه بکارگیری این ابزار می‌تواند عاملی جهت جلوگیری از شوک‌های ناشی از مراحل انتقالی اقتصاد باشد و سیاست‌های داخلی را تا حد زیادی با تحولات اقتصاد جهانی هماهنگ ساخته و کارآیی اقتصادی را افزایش دهد. مناطق آزاد از طرق زیر می‌توانند به توسعه اقتصاد ملی یاری رسانند.

تأمین سریع مواد اولیه و قطعات مورد نیاز کارخانه‌های داخلی؛ سهولت و سرعت عمل در تأمین سفارش‌های داخلی می‌تواند سبب صرفه جوئی در هزینه تولید و در نتیجه کاهش قیمت تمام شده کالاهای ساخت داخل و افزایش امکان صادرات آن به خارج گردد. کاستن از میزان بیکاری در اقتصاد ملی؛ فعالیت‌ها و خدمات انجام شده در یک منطقه آزاد همچون انبارداری، بسته بندی، حمل و نقل و توزیع کالا، بانکداری، بیمه، تولید و



مونتاز کالا و انواع داد و ستدها و خدمات جانبی، مولد درآمدهایی هستند که در نهایت بخشی از آن به کشور میزبان و از جمله نواحی مجاور منطقه آزاد انتقال می‌یابد. ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی به منظور صادرات؛ قیمت تمام شده کالاهای صنعتی و کیفیت و بسته بندی کالاها از روی نمونه‌های مرغوب و رایج در منطقه آزاد می‌تواند الگوبرداری شده و جهت صدور تولیدات داخلی مورد استفاده قرار گیرد. تأثیر جریان توسعه در مناطق محروم مجاور مناطق آزاد؛ توسعه اقتصادی در بلند مدت همچون ظروف مرتبط سبب ایجاد فعالیت‌های جدید بویژه در شهرهای اطراف منطقه آزاد می‌شود. ایجاد اشتغال و درآمدهای جدید با اثر تکاثری خود می‌تواند اقتصاد را کد مناطق محروم تر را به تکاپوی تازه سوق دهد و سطح فعالیت‌های اقتصادی این مناطق را بالا ببرد. در نتیجه اقتصاد ملی و منطقه‌ای چه بصورت مستقیم و چه غیر مستقیم از ایجاد منطقه آزاد و گسترش فعالیت‌های صنعتی تجاری در آن منتفع می‌گردد و به سطوح بالاتری از تولیدات و مبادلات خارجی گام می‌گذارد. ایجاد امکانات لازم برای رشد صنعت توریسم و جذب جهانگردان داخلی و خارجی؛ اکثر مسافرت‌ها به مناطق آزاد بخصوص کیش با مقاصد تجاری و بخاطر ارزان بودن کالا نسبت به پایتخت و سایر شهرهای ایران انجام می‌گیرد ولی قطعاً جهانگردان خارجی بخاطر ارزانی اجناس در کیش به این جزیره مسافرت نخواهند کرد، بلکه باید استعداد جاذبه‌ای توریستی جزیره را متناسب با خواسته‌ها و سلائق گردشگران خارجی شکل داد (البته در چارچوب ارزش‌های حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران) تا انگیزه مسافرت به کیش را در توریست‌های خارجی بیشتر کرد و از این راه به درآمدهای ارزی (مشروع) دست یافت. علاوه بر موارد یاد شده سوابق کشورهای دیگر نشان داده است که آنها مناطق آزاد را همچون آزمایشگاهی جهت کسب تجربه تولید و بازرگانی بر مبنای اصول و ضوابط اقتصاد آزاد تلقی کرده و سیاست‌های خود را در جهت آن اصلاح و تعدیل کرده‌اند.

❖ اهداف مناطق آزاد

ایجاد منطقه آزاد از جمله ابزار توسعه اقتصادی است که می‌تواند موجب جلب سرمایه، انتقال تکنولوژی، آموزش نیروی انسانی، تحصیل مدیریت علمی، وصل به بازار جهانی و در نهایت دریچه‌ای به سوی توسعه اقتصادی گردد. به همین علت است که طی سال‌های بعد از ۱۹۶۰ میلادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه با بکارگیری این ابزار در کنار سایر ابزارهای توسعه، سعی در رهایی از «توسعه نیافتگی» خود داشته‌اند. از دیدگاه نظری و بین‌المللی، فلسفه اصلی روی آوری کشورهای در حال توسعه به ایجاد مناطق آزاد، دستیابی به توسعه اقتصادی از طریق استراتژی برون‌نگر است. کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به توسعه اقتصادی، با کمبودها و محدودیت‌های متعددی مواجه‌اند و در عین حال از برتری‌ها و امکاناتی نیز



برخوردارند. منطقه آزاد ابزاری است که به طور نسبی می تواند کمبودها را جبران و امکانات و برتری های بالقوه را در سطح ملی به توانایی بالفعل تبدیل کند و پلی بین اقتصاد داخلی و اقتصاد خارجی شود.

از این رو اهداف اصلی مناطق آزاد به شرح زیر قابل خلاصه است:

- تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی.
- بهره گیری از مزایا، پتانسیل ها، و بطور کلی برتری های نسبی اقتصاد ملی.
- برقراری ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی.
- وصل تدریجی اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی.

کشورهای در حال توسعه در راه نیل به توسعه اقتصادی در چارچوب هدف های کلی فوق، هدف های تفصیلی تری را نیز برای مناطق آزاد دنبال می کنند و امید دارند با اعمال مطلوب آنها در منطقه آزاد به برآورد خواست های درونی اقتصاد ملی دست یابند.

اهم اهداف تفصیلی به شرح زیر قابل طبقه بندی است:

- جذب سرمایه خارجی، بویژه در بخش های مولد.
- تأمین ارز بیشتر برای رفع نیازهای اقتصاد ملی.
- جذب و انتقال تکنولوژی به درون اقتصاد ملی.
- ایجاد فرصت های اشتغال جدید در منطقه آزاد و درون اقتصاد ملی.
- افزایش کارایی اقتصاد ملی.
- افزایش و تنوع بخشی صادرات و گسترش تجارت خارجی.
- کمک به ورود کالاهای سرمایه ای و واسطه ای به درون اقتصاد ملی به قیمت مناسب تر.
- تربیت نیروی انسانی و کسب آموزش های فنی و افزایش درجه مهارت نیروی کار.
- افزایش درآمد ناشی از فعالیت های خدماتی (حمل و نقل، انبارداری، بارگیری و تخلیه، بیمه گری و جهانگردی).
- آشنایی عینی و عملی با تجارت جهانی.
- استفاده از برتری های نسبی (نیروی کار ارزان، ذخایر معدنی، کالاهای کشاورزی و سایر مواد اولیه) اقتصاد ملی.
- توسعه منطقه ای و تبدیل بخش های عقب مانده به قطب های توسعه.



از دیگر اهداف اساسی تأسیس مناطق آزاد، رسیدن به آرمان دیرینه خروج از اقتصاد تک محصولی و دستیابی به اقتصاد بدون نفت می‌باشد. مناطق آزاد باید سکوه‌های پرتابی می‌شدند (و باشند) که سهم محصولات غیر نفتی را در کل صادرات به صورت فزاینده‌ای افزایش دهند. پس از تصویب قانون تشکیل این مناطق، علیرغم قدم‌های موثری که در این زمینه برداشته شده، رشد واقعی و کارکرد مناسب آنها فاصله زیادی با پیش‌بینی‌های اولیه دارند.

❖ خروج از اقتصاد تک محصولی و متنوع‌سازی اقتصاد مبتنی بر نفت

تک محصولی بودن صادرات ایران به خاطر اتکای شکننده به نفت، نوسانات شدید بهای نفت در بازارهای بین‌المللی که ناشی از سیاست‌های امپریالیستی کارتل‌های بین‌المللی است و نیز رکود و افت و خیز بازار صادرات فرش، صنایع دستی، پسته و دیگر صادرات ریز و درشت کشور و به طور کلی رقم پایین ارزش حاصل از صادرات غیر نفتی، واقعیت‌های ملموسی هستند که عزم جزم دولت در توجه هرچه بیشتر به این معضل اقتصادی را بطور جدی می‌طلبد. هدف از متنوع‌سازی اقتصاد این است که اتکاء به درآمدهای نفتی و ریسک حاصل از آن به حداقل ممکن کاهش یابد. بنابراین متنوع ساختن اقتصاد به فرایند توسعه کشور، خود اتکائی، قدرت چانه‌زنی و توانایی در کاهش ریسک تجاری بستگی دارد. در مورد مفهوم: متنوع‌سازی باید گفت که گسترش دامنه محصولات تولیدی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی را می‌توان: متنوع‌سازی نامید. اما: متنوع‌سازی به استراتژی توسعه اقتصادی کشور که باید ساختار کالاهای صادراتی را متنوع سازد نیز بستگی دارد. لذا: متنوع‌سازی اقتصاد بدون نفت و خروج از اقتصاد تک محصولی، گسترش فعالیت‌های بخش‌های غیرنفتی است که وجود مناطق آزاد با اهدافی که برای آنان ذکر شد، می‌توانند در: متنوع‌سازی اقتصادی نقش بس ارزشمندی را ایفا کنند. از طرف دیگر: متنوع‌سازی و توسعه به یکدیگر مربوطند، زیر هدف نهایی از: متنوع‌سازی اقتصادی دستیابی به توسعه است و: متنوع‌سازی وسیله‌ای است برای رسیدن به این هدف. لذا: متنوع‌سازی نباید به عنوان هدف نهایی به کار رود. با افزایش تولیدات غیر نفتی و گستر صادرات و انعطاف پذیر کردن ساختار تولید یک اقتصاد، توانایی آن اقتصاد برای کاهش خطرات ناشی از تجارت نفت و سایر کالاها که بهبود شرایط تجاری یک کشور را شامل می‌شود، بالا می‌رود و بنابراین وقتی: متنوع‌سازی در اقتصاد صورت می‌گیرد میزان خطرات کاهش و بازدهی ناشی از سیستم تجاری کشور افزایش می‌یابد. ایضاً انعطاف‌پذیر شدن ساختار تولید باعث گسترش ظرفیت‌های تولیدی می‌شود که در پاسخ به تغییرات طرف تقاضا و عرضه اقتصاد در بازارهای جهانی برای افزایش تولید و درآمد لازم است. مشکلات اقتصادی فراوانی مقابل اقتصاد ایران وجود دارد که نیازمند بینشی عمیق در استراتژی بلند مدت جامعه است. مشکلات اساسی فوق را می‌توان پایین بودن قدرت صنعتی، تک محصولی بودن و اتکاء به درآمدهای نفتی، صادرات اندک



محصولات صنعتی و ... دانست. یکی دیگر از مشکلات اساسی کاهش بهره‌وری صنایع در ایران و عدم دسترسی به تکنولوژی (فن‌آوری) مناسب است که به روابط تجاری ایران در صحنه جهانی و کمبود ارز خارجی بستگی دارد. همان گونه که قبلاً ذکر شد یکی از اهداف ایجاد مناطق آزاد تبدیل مناطق آزاد به پایگاه‌هایی برای گسترش صادرات غیر نفتی است و لذا در صورت فراهم آوردن امکانات لازم، مناطق آزاد می‌توانند همچون دریچه‌ای به جهان خارج آزادی مبادلات تجاری را تأمین کرده و به جذب تخصص‌های فنی، تکنولوژی و سرمایه مورد نیاز جریان توسعه اقتصادی ملی یاری رساند. یکی دیگر از صنایعی که در منطقه آزاد می‌تواند موفق بوده و موجب جذب ارز خارجی و نیز تعامل فرهنگی گردد، صنعت توریسم است. طبق پیش‌بینی و اعلام صاحب نظران، در سال ۲۰۰۵ وضع اقتصادی جهان دگرگون می‌شود و درآمدهای توریستی جای نفت را می‌گیرد. در این حال می‌توان با ایجاد جاذبه‌های توریستی در کنار دیگر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در مناطق آزاد، صنعت توریسم را رواج داده و به درآمدی حتی چندین برابر درآمد نفت دست یافت. البته باید اذعان نمود که در جای خود باید به مسائل فرهنگی صنعت توریسم توجه بیشتر داشت و تنها به بعد اقتصادی آن نپرداخت. ایرانی اسلامی با داشتن غناهای فرهنگی - اسلامی و ویژگی‌های طبیعی و آب و هوایی می‌تواند و می‌باید جایگاه ویژه خود را در بین قطب‌های توریستی جهان بازیافته و مشتاقان دیدار از سرزمین مقدس مان را که به دنبال هزارها نکته نادیده و ناشنیده می‌گردند در خود پذیرا باشد.

❖ شرایط و عوامل موفقیت مناطق آزاد

در موفقیت یک منطقه آزاد عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قوانین و مقررات داخلی و مقررات داخلی و موقعیت مکانی دخالت دارند که به چند عامل به طور اختصار اشاره می‌شود.

الف) سازگاری هدف‌های منطقه آزاد با استراتژی اقتصاد ملی: هدف‌ها و راهبردهایی که برای ایجاد منطقه آزاد انتخاب می‌شوند باید کاملاً در راستای هدف‌ها و راهبردهای اقتصاد ملی قرار گیرند. چنانچه آمادگی لازم جهت پذیرش فلسفه وجودی منطقه آزاد در برنامه‌های ملی وجود نداشته باشد ایجاد این مناطق به تنهایی گره‌گشای مشکلات اقتصادی کشور نخواهد بود.

ب) صراحت‌های قانونی: قانون مناطق آزاد هر کشوری باید به طرز مشخص و صریح، ویژگی‌های نقش منطقه آزاد در توسعه ملی و منطقه‌ای و همچنین اهداف و وظایف و اختیارات آن را تبیین و روشن سازد و امتیازاتی را که برای تحقق اهداف تعیین شده و ایجاد انگیزه‌های تشویقی برای مؤسسات و شرکت‌های سرمایه‌گذار داخلی و خارجی در نظر گرفته است و شرایط ورود و خروج سرمایه و نیروی کار را به وضوح بیان کند. هرگونه ابهامی در این زمینه‌ها تحقق اهداف از پیش تعیین شده را غیر ممکن می‌سازد.



ج) دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدمات همگانی: دسترسی به تسهیلات زیربنایی از مهمترین عوامل است که سرمایه گذار را به سوی منطقه آزاد جلب می کند. امکانات اولیه نظیر آب، برق، سوخت، تلفن، تلکس، ارتباطات راه دور، تسهیلات حمل و نقل در خشکی و آب، بندرگاه و اسکله های مناسب، خطوط ارتباطی (راهها و فرودگاهها) ساختمان اداری و مسکونی در استانداردهای پذیرفته شده از جمله شرایط ضروری جهت موفقیت منطقه آزاد به شمار می آیند.

علاوه بر تأسیسات فیزیکی مذکور، ارائه خدمات به موقع بانکی و بیمه ای، کشتیرانی و تجاری، تسهیلات مسافرت هوایی، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب و امکانات تفریحی می توانند به گونه ای مثبت برای جلب سرمایه گذاران، بازرگانان و گردشگران به منطقه آزاد تأثیر گذارند.

د) سازمان اجرایی مناسب: وجود نهادها و تشکیلات سازمانی با عملکرد منظم و منسجم از مهمترین شرایط پیشرفت امور بشمار می رود. بنابراین بکارگرفتن پرسنل آموزش دیده و آشنا به فرهنگ صنعتی - تجاری مدرن، وجود مدیران کارآمد همراه با ضوابط و مقررات صریح و روشن جهت اتخاذ تصمیمات سریع و روزمره نهایت اهمیت و اعتبار را دارد.

ه) ثبات سیاست های اقتصادی: سیاستهای اقتصادی و تصمیماتی که جهت جذب سرمایه های داخلی و خارجی و نیز جهانگردان و گردشگران به منطقه آزاد اتخاذ و رسماً اعلام می شود، باید پایدار و دراز مدت باشد. تغییرات پی در پی در سیاستها موجب سلب اطمینان فعالان تجاری و سرمایه گذاران از این مناطق شده و هدفهای مورد نظر را با شکست مواجه می سازد.

و) انتقال تکنولوژی و فرهنگ صنعتی: امروزه تخصص تولیدی بیش از ابزار در مغزها جمه شده است و تقاضا برای نیروی انسانی متخصص، همراه با ضرورت عرضه خدمات با کیفیت بالا در منطقه آزاد - که سرعت، دقت، سهولت، اطمینان و کارایی از اجزای تفکیک ناپذیر آن بشمار می رود - به این گونه مغزها، تخصصها و آموزشها نیاز دارد. متقابلاً منطقه آزاد با نیروهای متخصصی که تربیت می کند به نیاز اقتصاد ملی پاسخ می دهد.

ی) هماهنگی مجریان و مردم: بروز اختلافات نظر بین مردم و مقامات دولتی یا مسئولین منطقه آزاد و وجود ناهماهنگی بین مسئولان اجرایی در انجام وظایف جاری، موجب توقف یا کندی کارها می شود.

گ) حمایت پیگیرانه دولت: تقویت، پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی از مناطق آزاد، به گونه ای پیوسته از سوی دولت و مسئولان اجرائی و کمک به پیشبرد اهداف اعلام شده، نقشی مهم در توسعه فعالیتهای مناطق آزاد دارد.

ک) تامین فضای باز کار و زندگی اجتماعی: منطقه آزاد مکانی برای توسعه فعالیتهای گوناگون اقتصادی در انطباق با شرایط مناسب طبیعی، اقلیمی و اجتماعی از طریق پیوند نیروهای داخل یا بازارهای بین المللی است.



در این صورت چگونگی برخورد و رفتار با اتباع بیگانه، به ویژه سرمایه‌گذارانی که مایل به فعالیت در این مناطق هستند و یا جهانگردانی که برای خرید یا تفریح به مناطق آزاد می‌آیند می‌تواند الگوی مناسب یا بازدارنده در جهت همکاری‌های بین‌المللی در مجموع کشور تلقی شود. آزادی فعالیت در این مناطق در سطح قابل پذیرش و منطبق بر باورها و فرهنگ حاکم بر مناطق آزاد برای اتباع بیگانه ویژگی اصلی این گونه مناطق به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه دخالت یا ایجاد محدودیت ناشی از برنامه‌های اقتصادی دولت و تصمیم‌گیری‌های عوامل خارج از منطقه که بر وضعیت فعالیت‌های آزاد اتباع خارجی تأثیر منفی بگذارد، سبب تردید و احتیاط، سرمایه‌گذاران و جهانگردان شده و اساس طرح‌ریزی‌های منطقه آزاد را به زیر سؤال می‌برد. نکته مهم آن که اگر شرایط برای تأمین فضای یاد شده که شیوه زندگی اتباع خارجی را نیز شامل می‌شود، فراهم نباشد انتظار گسترش فعالیت‌های صنعتی - تجاری در منطقه آزاد معقول نخواهد بود. از شرایط فرهنگی لازم برای موفقیت مناطق آزاد در حوزه وفاق فرهنگی متبلور می‌شود. وجود سیستم خردی چون یک منطقه آزاد باید مورد توافق اجتماعی مردم سرزمین اصلی، چه نخبگان و چه توده آنها باشد.

برای رسیدن به چنین توافقی چندین شرط لازم است. بیش از هر چیز، باید نزد نخبگان درباره لزوم ایجاد چنین مقاطعی توافق وجود داشته باشد. رسیدن به این توافق از راه تشریح کارکرد و مکانیسم‌های چنین منطقه‌ای و هم‌چنین با تدوین دقیق اهداف آن میسر است، و زمانی که به یک تدوین قانونی دست بیابیم قاعدتاً باید به چنین توافقی نیز رسیده باشیم. در حوزه توده مردم، پیش از آنکه مسأله لزوم چنین مناطقی مطرح باشد چگونگی کارکرد و مکانیسم درونی آنها و همچنین ضرورت تفکیک میان سیستم کلان و سیستم خرد باید درک شود. در این مرحله عنصر فرهنگی و به ویژه تحقیق اجتماعی، می‌تواند نقشی مثبت و بسیار فعال ایفا کند و از طریق ارائه یک الگوی فرهنگی ویژه، بی‌آنکه این الگو لزوماً در تضاد با الگوی فرهنگی سیستم کلان قرار بگیرد در ایجاد توافق اجتماعی نسبت به درونی مناطق آزاد مؤثر بیافتد.

❖ مستثنی شدن برخی از بخش‌ها از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سیاست‌گذاری کشورها در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متفاوت است. برخی از کشورها درهای خود را بر روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در همه بخش‌ها باز گذاشته‌اند و برخی دیگر از کشورها بخش‌های مهمی از اقتصاد را از شمول سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مستثنی کرده‌اند. می‌توان گفت این نوح استثناها تقریباً در تمامی کشورها پذیرفته شده‌اند؛ با این تفاوت که در کشورهای با اقتصاد باز، این محدودیت‌ها خلاف اصل بوده، معمولاً به دلیل مصالح بزرگ‌تری نظیر امنیت ملی ایجاد شده‌اند، ولی در کشورهای با اقتصاد بسته، چنین سیاستی از لوازم اقتصاد دولتی است. از این حیث، هرچه اقتصاد کشور بازتر باشد و از سیطره دولت بر اقتصاد کاسته شود، به تبع آن، جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌شود.



پس به‌طور کلی تحقق سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران، دو صورت زیر امکانپذیر است:

الف) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه‌هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز می‌باشد.
ب) سرمایه‌گذاری خارجی در کلیه بخش‌ها در چارچوب روش‌های «مشارکت مدوی»، «بیع متقابل» و «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری».

نکته دیگر آنکه سرمایه‌گذاری در بخش‌های دولتی به واسطه ترتیبات قراردادی پیش‌بینی شده (مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری) و بازگشت سرمایه و منافع حاصله از سرمایه‌گذاری خارجی در این حیطه، باید ناشی از عملکرد و بازده اقتصادی طرح مورد اجرا باشد، نه تضمین دولت یا بانک‌ها و شرکت‌های دولتی.

❖ الزامات سرمایه‌گذار

منظور از الزامات سرمایه‌گذار، تعهدات اجرایی است که لازمه فعالیت سرمایه‌گذار در کشور میزبان است. هدف کشور میزبان از درج چنین الزاماتی حداکثرسازی سود کشور خود از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. یکی از این الزامات، تکلیف به انتقال تمام یا بخشی از سرمایه خارج از کشور سرمایه‌گذار به درون کشور برای سرمایه‌گذاری است. هدف از ایجاد این الزام این است که سرمایه‌گذار خارجی از سرمایه موجود در کشور میزبان برای انجام فعالیت استفاده نکند، بلکه به نحوی باشد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی لزوماً به انتقال سرمایه جدید به درون کشور میزبان بینجامد. ترکیه در قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی خود این الزام را حذف کرده است.

دسته دو از این الزامات، مربوط به استخدام نیروهای کار محلی است. دولت میزبان از این الزام اهداف چون کاهش نرخ بیکاری، انتقال تکنولوژی و انتقال تجربه‌های مدیریتی به نیروهای محلی را دنبال می‌کند. دسته سوم از الزامات اجرایی، الزام به صادرات است؛ به این معنی که سرمایه‌گذار خارجی مکلف است درصدی از تولید خود را به صادرات اختصاص دهد. افزایش صادرات عواید زیادی را نصیب کشور میزبان می‌کند و به افزایش رشد اقتصادی می‌انجامد. این موضوع به‌ویژه در مناطق آزاد از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا افزایش صادرات یکی از اهداف اصلی و عمده ایجاد مناطق آزاد است.

در مناطق آزاد ایران، الزام نخست وجود ندارد، لذا سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند ماشین‌آلات، لوازم کار، تجهیزات، وسایل حمل و نقل زمینی، هوایی و آبی مربوط به سرمایه‌گذاری را از سرزمین اصلی کشور میزبان به مناطق آزاد انتقال دهد. دسته دو از الزامات اجرایی به صورت ضمنی در ماده ۴۱ از مقررات اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد آمده است. با توجه به اهداف مناطق آزاد و نیز وضعیت اشتغال در کشور ما، وجود چنین



محدودیتی قابل دفاع است، لیکن در بسیاری موارد شاید سرمایه‌گذار خارجی به دلیل نبود کارگر ماهر و متخصص نتواند ۹۰ درصد از نیروی کار متخصص مورد نیاز خود را از کارگران بومی تامین نماید. بنابراین درصد تعیین شده نه تنها می‌تواند به‌عنوان یکی از موانع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این مناطق شمرده شود، بلکه ممکن است در برخی موارد سرمایه‌گذاران داخلی را نیز با مشکل مواجه کند.

با اینکه یکی از اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد افزایش صادرات است، اما متأسفانه در ایران هیچ الزام قانونی برای صادرات بخشی از محصول یا خدمات تولید شده وجود ندارد و این موضوع باید در اصلاحات احتمالی قوانین و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد مورد توجه قرار گیرد.

❖ جمع‌بندی

در این مقاله با ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری در زمینه توسعه صادرات و کسب درآمد ارزی، هزینه‌های جاری و عمرانی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، درآمدهای عمومی، جذب مسافری داخلی و خارجی مشخص گردید که دو منطقه کیش و قشم توانسته‌اند سهم زیادی در جذب عوامل مذکور در مناطق آزاد ایران داشته باشند.

سهم کیش در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و درآمدهای عمومی بیشتر از سایر مناطق، سهم قشم در زمینه صادرات - که مأموریت خاص این منطقه است - نیز بیشتر از سایر مناطق است. در زمینه جذب مسافری داخلی و خارجی سهم دو منطقه با تفاوت به نسبت اندکی، مساوی است. لیکن منطقه آزاد کیش بیشترین سهم ایجاد تأسیسات زیربنایی و زیرساخت‌ها را به خود اختصاص داده و در زمینه جذب درآمد ناشی از گردشگر خارجی نسبت به سایر مناطق موفق‌تر بوده و توانسته است به مأموریت خود که جذب توریسم و گردشگر و مرکزیت یافتن در زمینه نمایشگاه‌ها و همایش بین‌المللی و منطقه‌ای است، جامه عمل بپوشاند. در مجموع، وقتی این مناطق با مناطق آزاد کشورهای همجوار همچون جبل علی مقایسه می‌شود، ناکارآمدی این مناطق بیش از پیش مشخص می‌شود. منطقه آزاد جبل علی در اندک زمانی توانسته است به بزرگترین مرکز جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات کالا تبدیل شود. مناطق آزاد ایران همچون مراکزی رها شده از مجموع ساختار فعالیت‌های دولت، به عنوان بزرگترین واردکنندگان کالا به منطقه و کشور تبدیل شده و سهم هر یک از متغیرهای صادرات، اشتغال، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و درآمدهای عمومی و گردشگر خارجی در کل اقتصاد ایران بسیار ناچیز و اندک است. در همه کشورهای موفق در زمینه توسعه صادرات صنعتی - که ابتدا در مناطق آزاد تعیین شده - زیرساخت‌های لازم با گستردگی مناسب فراهم گردیده است. سپس فعالیت‌های هدفمند آنها در راستای تقویت برنامه‌های توسعه اقتصادی صنعتی ملی شکل گرفته است. اما در ایران، هر یک از دو منطقه آزاد باید برای ایجاد زیرساخت‌ها، عمران و آبادانی و حتی اقدامات اجتماعی و رفاهی به اخذ عوارض کالاهای وارد شده اتکا نمایند.



قواعد حاکم بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نخستین مواردی است که سرمایه‌گذار خارجی با آن روبرو می‌شود. بنابراین، تشریفات، ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و الزامات، از مهم‌ترین عواملی است که در تصمیم سرمایه‌گذار خارجی نقش بسزایی دارد. این موضوع به‌ویژه در مناطق آزاد که یکی از اهداف اصلی ایجاد آنها جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است از اهمیت بیشتری برخوردار است. البته در برخی موارد وجود بعضی محدودیت‌ها معقو و منطقی به نظر می‌رسد و نسخه مشابه آن تقریباً در تمامی کشورها یافت می‌شود.

❖ پیشنهادات

برای بهبود عملکرد مناطق آزاد ایران پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد :

- برنامه توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی باید در دستور کار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در دو بخش آمایش سرزمین و برنامه هفتم توسعه کشور به عنوان یک بخش مستقل قرار گیرد؛
- اختصاص بخشی از بودجه دولت در کل بودجه پیشنهادی برای تقویت زیرساخت‌ها و تأسیسات زیربنایی مناطق آزاد؛
- جلوگیری از ورود بی‌رویه کالا به مناطق آزاد و اعمال عوارض گمرکی بر کالاهای وارداتی به منطقه و تشویق صادرات و معافیت گمرکی و مالیاتی کالاهای صادراتی؛
- ایجاد امنیت و فضای سیاسی با ثبات در مناطق آزاد و برقراری تعرفه‌های ترجیحی برای مناطق در مقایسه با کشورهای همجوار، جهت تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛
- تقویت و کاراتر نمودن سیستم مدیریت دبیرخانه مناطق آزاد برای اداره مناطق آزاد ایران و جلوگیری از فعالیت موازی سایر ادارات در اداره این مناطق؛
- روش نو شفاف‌سازی قوانین و تدوین قوانین به صورت بلند مدت و پایدار، هماهنگ با استانداردهای جهانی؛
- ثبات قوانین و مقررات پولی، بانکی، صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد.
- پیشنهادهای برای بهینه‌سازی الگوی مدیریت سیاسی فضا در مناطق آزاد که مبتنی است بر:

(۱) توسعه سطوح همکاری

(۲) کاهش سطوح تعارض

(۳) توسعه هم‌تکمیلی کارکردی در مسیر توسعه قشم و کیش



به نظر می‌رسد بهترین راه ممکن برای به حداقل رساندن تعارض بین مدیریت‌های موجود در منطقه آزاد کیش، بازنگری در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد است که در سال ۱۳۷۲ به تصویب هیأت وزیران رسیده است. در این بازنگری باید نهایت دقت صورت گیرد که از تعریف کارکردهای مشابه برای سازمان منطقه آزاد با کارکرد سایر مدیریت‌های موجود در جزیره پرهیز شود.

اداره مدیریت مناطق آزاد به دلیل این که در ماهیت نوعی خودگردانی محلی به خصوصی است، باید دارای مدیریتی واحد و منبع تصمیم‌گیری مستقلی باشد تا بتواند در راستای توسعه قدم بردارد. وجود منابع متعدد تصمیم‌گیری نتیجه‌ای جز بروز تعارض نخواهد داشت.

راهکارها بر دو اساس ارائه می‌شوند، برخی راهکارها متوجه مدیران شرکت‌های صادراتی است تا از این طریق عملکرد شرکت‌هایشان را بهبود بخشند و برخی از این راهکارها متوجه مدیران دولتی در بخش کلان اقتصادی است تا از طریق این راهکارها زمینه شکوفایی بیش تر صادرات در ایران به خصوص در مناطق آزاد تجاری را فراهم کرده و باعث رشد صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای ارزی نفتی شوند.

- عملکرد مدیران در بهره‌مندی درست از امکانات تولید، برنامه‌ریزی صادرات، قابلیت و توجه به منابع و ظرفیت‌های تولیدی و شایستگی مدیریت از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بهبود و توسعه صادرات شناخته شده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌های صادرکننده در ایجاد عوامل انگیزشی برای کسب موفقیت در جهت ترغیب مدیران خود در به کارگیری این عوامل اثرگذار کوشا باشند.
- همچنین، در مورد اهمیت عامل اکتساب و بهبود مهارت‌های ادراکی و شناختی، تأکید می‌شود مدیران از سه عامل استقبال از ایده‌های جدید از سوی افراد هم‌رده یا زیردستان و ارائه طرح‌های پیشنهادی مؤثر از سوی آن‌ها در هیأت مدیره شرکت‌ها و تقویت توانایی تفکر و تصمیم‌گیری‌های خلاقانه به‌درستی بهره‌مند شوند. مدیران شرکت‌ها در راستای ایجاد و یا بهبود این مهارت‌ها باید رابطه متقابل کارکردها و وظایف کارکنان زیردست و سایر بخش‌های درون سازمانی و برون‌سازمانی مرتبط با فعالیت کسب و کار خود را با اهداف کلی شرکت صادراتی متبوع خویش همسو سازند. بنابراین، در این راستا مهارت‌های شناخت رابطه متقابل محیط بر کارایی شرکت، شناخت رابطه متقابل مشتریان بر کارایی شرکت، شناخت رابطه متقابل آگاهی کارکنان بر کارایی شرکت، شناخت رابطه متقابل تعارضات داخلی بر کارایی شرکت، شناخت رابطه متقابل کارکنان و سایر بخش‌های مرتبط با کسب‌وکار آنان، شناخت رابطه متقابل رقبا بر کارایی شرکت، شناخت رابطه متقابل ایجاد هماهنگی بر کارایی شرکت را باید در خود ایجاد یا حفظ کنند.
- توان علمی و تجربی مدیران از دیگر عوامل مؤثر بر بهبود توسعه صادرات است. در این راستا پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌های صادرکننده در وهله اول نسبت به تقویت بنیه علمی و فراگیری تخصص‌های لازم در زمینه کسب‌وکار اقدام کرده و همچنین برای ایجاد ارتباط مؤثر جهت کسب و انتقال تجارب



حرفه‌ای به زبان‌های بین‌المللی به ویژه زبان انگلیسی تسلط کافی داشته باشند تا در مذاکرات و تعاملات تجاری نتایج مطلوبتری کسب کنند.

- از آنجا که توانایی و تسهیلات مالی در عامل اصلی قابلیت‌های بازاریابی یکی از موارد مؤثر بر بهبود توسعه صادرات معرفی شده است، برای تشریح این مهم می‌توان به مصادیق حاضر در کشورهای دیگر برای اعطای وام کم بهره و گشایش اعتبار اسنادی با کم‌ترین پرداختی اشاره کرد. همچنین در کنار اعطای وام، تسهیلات موردی نیز می‌تواند برای افزایش جریان نقد شرکت‌های فعال کمک شایانی باشد؛ برای مثال می‌توان اعطای اعتبار کوتاه مدت به شرکت‌ها برای تقبل هزینه‌های حمل محصولات تا بندرهای صادراتی ایران توسط یکی از بانک‌های خصوصی را نام برد. این بانک، وجه اعتبار اعطاشده را سه ماه پس از اعطای اعتبار و دریافت وجه فروش محصولات از طرف خارجی توسط اطراف ایرانی دریافت می‌کند.
- برند و کیفیت کالا نیز به عنوان مفهومی تبلیغاتی در قابلیت‌های بازاریابی بر بهبود عملکرد صادراتی تأثیر بالایی گذاشته است. یکی از پیشنهاد‌های ارائه شده جهت برندسازی محصول در بازارهای جهانی، رجیستر (ثبت) کردن محصولات در کتاب‌ها و مجلات معتبر است که مرتبط با صنایع موردنظر منتشر می‌شوند.
- مدیریت ارتباط با مشتریان به عنوان یکی از عوامل فرعی استراتژی‌های بازاریابی نقش با اهمیتی در بهبود عملکرد صادراتی دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود شرکت‌های صادرکننده‌های که دپارتمانهای CRM ندارند، این دپارتمان را با استفاده از نیروهای فنی متخصص در امر مدیریت ارتباط با مشتری و مسلط بر اطلاعات مربوط به بازار درون شرکت‌هایشان ایجاد کنند تا با فعال کردن این دپارتمان‌ها، به صورت ادواری با مشتریان قبلی خود در تماس باشند و یا حتی در صورت اجرای قرارداد و تحویل محصول، درباره صحت و رضایت از محصول، از طرف قرارداد خود اطلاعات بگیرند. همچنین، قبل از مرحله فروش نیز اطلاعات تخصصی محصول را به صورت کامل در اختیار خریداران (برای تصمیم‌گیری) قرار دهند، که یکی از این روش‌ها، فراهم کردن امکان دیدن نمونه محصول و انتخاب آن برای مشتریان است.
- کیفیت محصول صادراتی از دیگر عوامل فرعی استراتژی‌های بازاریابی است که تأثیر زیادی بر بهبود و توسعه صادراتی دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌های صادرکننده براساس استانداردهای درخواستی شرکای تجاری اقدام به تولید محصول کنند. همچنین توصیه می‌شود با واردات ماشین‌آلات به‌روز دنیا و به کارگیری تکنیک‌های جدید تولید، هزینه را به حداقل رسانده تا تأثیر مستقیمی بر کیفیت محصولات صادراتی بگذارد.
- ایجاد نیاز جدید یکی از شاخص‌های مهم در پیشبرد فروش، به عنوان یکی از عوامل فرعی استراتژی‌های بازاریابی است که اهمیت زیادی در بهبود عملکرد صادراتی دارد. بنابراین، لازم است مدیران شرکت‌های صادرکننده، به جای کالاهای معمول و رایج که خود خریداران خارجی به دنبال آن هستند، انواع دیگری



از کالاها را با نشان دادن نمونه در اذهان و سلايق آنها بگنجانند تا از يك طرف ارائه انواع کالاها را گسترش دهند و از طرف ديگر، بازار جديدي براي خود ايجاد کرده و از پتانسيل موجود نيز استفاده کنند.

- قيمت محصول نيز يکي ديگر از عوامل فرعي استراتژي بازرگاني صادراتي است که در بهبود صادرات نقش مهمي ايفا مي‌کند، توصيه مي‌شود دولت نرخ ارز را آزاد و شناور بگذارد تا هم زمان با افزايش هزينه‌هاي شرکت‌ها در داخل مطابق با نرخ تورم شرکت‌ها بتوانند از طريق فروش محصول و تبديل آن به ريال سود کسب کنند.
- از آنجا که عامل فرعي توزيع و انبارداري نيز تأثير چشم‌گيري بر عملکرد بنگاه‌هاي صادرکننده دارد، لذا جهت اهتمام به اين عامل پيشنهاد مي‌شود دولت در راستاي کاهش هزينه‌هاي حمل و نقل و سرعت انتقال محصول به بازارهاي بين‌المللي، ناوگان جاده‌اي، ريلي و کشتيراني را تقويت کند.
- يکي از عوامل اصلي مؤثر بر توسعه صادرات بنگاه‌هاي صادرکننده دانش صادراتي بوده که جهت افزايش دانش نيروي انساني، به عنوان يکي از ابعاد اين عامل پيشنهاد مي‌شود مديران شرکت‌هاي صادرکننده، در وهله نخست فرايند استخدام و گزينش کارمندان خود را براساس علم افراد انجام داده و افرادي را استخدام کنند.
- از پيشنهادهاي ديگر اين که براي هر منطقه آزاد متناسب با ظرفيت‌ها و توانمدي‌هاي نسبي آن مدلي را جهت توسعه صادرات ارائه داده و به مديريت مناطق آزاد اجازه داده شود شرايط لازم براي اجراي اين مدل‌هاي بومي و علمي فراهم کنند.
- همچنين، پيشنهاد مي‌شود براي نشان دادن اهميت مناطق آزاد در توليد کالا و خدمات و توسعه صادرات، سالانه ميزان سهم و نقش مناطق آزاد در تحقق توليد ناخالص ملي کشور در برنامه‌هاي پنج ساله توسعه کشور لحاظ شده و پايش لازم جهت تحقق اهداف مناطق آزاد در برنامه صورت پذيرد.
- با توجه به يافته‌هاي تحقيق لازم است در مناطق آزاد به ساختار سازماني و عوامل مؤثر در شکل‌گيري ساختار صادراتي مناطق آزاد همچون رسمي‌سازي، تمايز و تمرکز در نوع توليدات، بيش‌تر توجه شود.
- همچنين، پيشنهاد مي‌شود توليد کالا و خدمات در مناطق آزاد متناسب با مزيت‌هاي نسبي هر منطقه جهت‌دهي شده و به استراتژي تمايز در ارائه کالا و خدمات بيش‌تر توجه شود.



با بررسی قواعد و مقررات حاکم بر ورود سرمایه گذار خارجی به مناطق آزاد درمی یابیم که برخی از این مقررات هماهنگی لازم را با اهداف این مناطق ندارند و نه تنها سرمایه گذاری خارجی را تشویق نمی کنند، بلکه به عنوان یک عامل بازدارنده سرمایه گذاری عمل می کنند. نگارندگان این پژوهش در راستای جذاب تر شدن فضای کلی مناطق آزاد برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی پیشنهاد می نمایند در این مناطق:

- تا حد امکان از تشریفات ورود کاسته شود به نحوی که این سیستم به تدریج به سیستم اعلام و اطلاع نزدیک گردد. اولین گام در این راه یک مرحله ای کردن و ادغام مجوز سرمایه گذاری و بهره برداری است.
- محدودیت تملک اموال غیرمنقول از سوی سرمایه گذاران در این مناطق مورد بازنگری قرار گرفته، حتی الامکان تعدیل شود.
- محدودیت ناشی از اعمال افراطی اصل ۸۱ قانون اساسی در مورد تملک سهام و تشکیل شرکت از طرف سرمایه گذاران خارجی در این مناطق تعدیل شود و امکان تشکیل شرکت با تابعیت ایرانی از سوی سرمایه گذاران خارجی در مقررات مربوط به سرمایه گذاری در مناطق آزاد تصریح گردد.